

سینمای دفاع مقدس و تاریخ آن در یک مرور گذرا

سرزمین خورشید

امین فرج پور سینمای دفاع مقدس را تنها ژانر سینمای ایران خوانده‌اند. شاید بهتر باشد ایرانی را نیز به این ترکیب اضافه کنیم و بخوانیم: تنها ژانر ایرانی یا بومی سینمای ایران. ژانری با ظاهر سر و شکی کاملاً متفاوت با سینمای جنگی سایر نقاط دنیا و به خصوص هالیوود که نگاهی تمام‌فیزیکی به جنگ دارد. درست مثل دفاع مقدس مسأ که ماهیت دفاعی‌اش آن را متفاوت‌تری شباهت به جنگ‌های دیگر نقاط مختلف دنیا جلوه می‌دهد.

همچنان که از ظاهر ترکیب پر کاربرد سینمای دفاع مقدس نیز آشکار است، این سینمای عمری تقریباً هم‌اندازه با سینمای بعد از انقلاب ایران دارد. در واقع به جرأت می‌توان گفت که این سینما تقریباً هم‌زمان با تجدید حیات سینما در روزهای پس از انقلاب راه خود را آغاز کرده است. فراموش نکرده‌ایم سینمای پیش از انقلاب و تک‌و تک فیلم‌های -مثلاً- جنگی آن دوران را که یک‌سری با بازسازی فیلم‌های جنگی هالیوودی با سر و شکی کاریکاتوری بود یا بدتر و مسخک‌تر: بازسازی فیلم‌های چرند هندی -مصری- با داستانی که آن را با رسترو وقوع رخدادها فیلم اصلی هندی -مصری- کنده و در بستری از جنگی تخیلی -کارتونی اجرا کرده‌اند. اگر این واقعیت را که در همان یکی، دو سال اول بعد از پیروزی انقلاب، دفاع مقدس به هدف بستن راه‌های تنفس و حیات این دگرگونی عظیم به کشور ما تحمیل شده، در کنار چگونگی و چستی سینمای جنگی پیش از انقلاب قرار دهیم، می‌شود گفت سینمای بعد از انقلاب عمری نزدیک با سینمای دفاع مقدس دارد و آن وقت است که این واقعیت عریان‌تر می‌شود که این سینما نخستین و شاید هم تنها حرکت اصیل فرهنگی این مرز و بوم در سال‌های بعد از انقلاب است.

سینمای ایران بعد از پیروزی انقلاب، جنگ را وارد سبیاها موضوعات اصلی‌اش کرد. با این توضیح که فیلم‌های جنگی روزهای اول، با چیزی که بعدتر نام سینمای دفاع مقدس گرفت، تفاوت‌های اساسی داشت. تلفی هالیوودی از فیلم جنگی در آن فیلم‌ها از این‌که در آنها رابطه با این سینمای بومی و ویژه بدین‌هم، جلوه‌گیری می‌کند. برخی‌ها امروز فیلم‌هایی از این دست به‌عنوان نخستین تلاش‌های سینمای ایران در نشان دادن عکس‌العمل به رخدادهای جامعه‌ی بیشتر از این‌که در طبیعت و حتی شکل و شمایل جنگ ایران نزدیک باشند، یادآور یک‌سری فیلم‌های پر تحرک بودند که سازندگان فیلم‌ها فقط و فقط اسامی شخصیت‌ها را ایرانی کرده بودند. در واقع زبان فارسی تنها وجه تمایز فیلم با نمونه‌های اصلی و هالیوودی بود. جالب این‌که این فیلم‌ها حتی در ایجاد فضا و ظاهر این جایی نیز ناموفق بودند که این هم به عدم شناخت تفاوت‌های ذاتی دو نوع سینمای بومی گشت. در واقع دست‌اندر کاران سینمای جنگی روزهای اول انقلاب این نکته را درک نکرده بودند که نگاه فیزیکی، هیجان و درگیری محور فیلم‌های غربی با تلفی رایج و حاکم بر جامعه ایران بعد از انقلاب نسبت به پدیده جنگ - که در آن اولویت اصلی را ویژگی‌های درونی و معنوی و باورهای دینی بیشتر و عمیق‌تر از رمزندگان دارد - تفاوت‌های اساسی دارد. در واقع برخلاف هالیوود که در آن چنانچه‌انجام‌دهی‌ها و توانایی‌های فیزیکی قهرمان، بزرگ‌نمایی و تأکید بر توانایی‌های فیزیکی قهرمان هم شده و جای آن را تأکید بر ویژگی‌های درونی، شخصی، باورهای دینی و معنوی شخصیت‌ها گرفته بود. این نکته البته فیلمسازان جوانی که بعد از انقلاب، سینما را آغاز داشتند شگفتی‌گر کردند و یاد می‌گرفتند، درک کردند و چنین شد که کمترین تأثیر ورود این سینماگران جوان، تغییر ظاهر فیلم‌های جنگی بود. این سینماگران نوماده اغلب از پوچسلمان‌های بودند که ادای تکلیف آنها را به‌وادی سینما کشنده بود. دست‌امور و در آنها به سینما نزدیک‌ترین ویژگی‌های فیلم‌های جنگی به موفقیتهایی شد که بعدها به

را یا خطری جدی مواجه کند، اما نکته در این است که چه فیلم‌های پر فروش این ژانر و چه فیلم‌های سهل‌انگار دم‌دستی این سینما را کارگردانان عبوری ساخته بودند که در این سینما ماندنی نبودند و از بد حادثه یا با اغراض مادی و معنوی دیگر گذرشان به این سینما افتاده بود، اما آن چند نفری که نامشان به‌عنوان یاوران همیشه سینمای دفاع مقدس آمد، در شب، آفت، دیده‌بان، عقاب‌ها و کلی‌مانگر بهترین روزهای ممکن را برای یک سینمای تازه تثبیت‌شده به وجود آورد و زبان و روایت جدیدی را که ماه‌های بومی آشکار و آشنایی داشت، به منصفه ظهور رساند. تماشاگران در دهه شصت استقبال شتابانی از سینمای جنگی بومی شده ایران به عمل آورند. عقاب‌ها که هنوز پر تماشاگر ترین فیلم تاریخ سینمای ایران به‌شمار می‌آید و هنوز که هنوز است فیلمی به حریم اسمن آن نزدیک نشده و کلی‌مانگ به‌عنوان سومین فیلم پر تماشاگر تمام تاریخ سینمای بعد از انقلاب، روزهای طلایی باشکوهی را در سینمای دفاع مقدس رقم زدند.

استقبال تماشاگران از این سینما چنان بود که حتی فیلم ضعیفی مثل پلاک نیز می‌توانست مردم را به سالن‌ها بکشد. چنین استقبالی البته در درازمدت باعث ساخته شدن آثار میانه‌مایه بسیاری شد که می‌توانست سینمای نوپاوه دفاع مقدس

منتقدی نوشته سینمای ایران چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، تجربه‌هایی ارزان و گران در باب آزمون ژانرهای مختلف سینمایی انجام داده است که فارغ از ضعف‌ها و قوت‌های متناسب با عناصر تحلیلی سینما، با کمتر فضای مواجه شده است که قابلیت بومی کردن گونه سینمایی‌اش را داشته باشد. به جرأت می‌توان مدعی شد که در این میان، تنها ژانری که از بین گونه‌های مطرح و معروف سینمای روند بومی شدن به خود گرفته، ژانر جنگی بوده است.

البته باید این نکته را نیز به‌گفته‌های پیش افزود که در این میان نگاه سینمای ایران به جنگ تک‌بعدی و تک‌محوری نبوده، به این معنا که فیلم‌های جنگی ایرانی همگی با حتی بیشترشان یک الگوی کلی و غیرقابل تخطی را پی گرفته باشند. سینمای دفاع مقدس در طول زمان سه دهه و اندکی که از شکل‌گیری‌اش می‌گذرد، در پرداخت کلی آثار، زیرگونه‌های متعدد و متفاوتی را آموخته که در بعضی از آنها موفق و در برخی نیز ناموفق بوده است. در زیر نگاه‌های داریم به فیلم‌های شاخص



فیلم‌ها و بازیگران | عکس: مهرداد پور

که باعث اسلحه کشیدن و گروگانگیری مهرزمش می‌شود، روی پرده می‌آید. آیا به نظر تان دیده شدن این فیلم نمی‌توانست روی هیجان عمومی جوانان در رهسپاری به سوی جبهه‌ها تأثیر منفی داشته باشد؟ گذشته از قبلی چون حمله به آج ۳ که در حد و اندازه سینمای ایران فیلم عظیمی بود؛ عملیات کرکوک، نجات‌افتگان، سجاده آتش، جنگ نفتکش‌ها، کیمیا، سرزمین خورشید، دکل، هور در آتش و چند فیلم دیگر در روزهای پایان جنگ تا نخستین سال‌های دهه هشتاد - در روزهای دوری مردم از آن حس و حال - توانستند با دادن ابعاد عظیم و ساختاری حماسی در سینمای دفاع مقدس آتش این سینما را همچنان روشن نگه دارند. در زمینه سینمای اجتماعی دفاع مقدس نیز همچنان حاتم‌ی کبیا و ملاقلی پور سرآمد جمع بودند و با فیلم‌هایی چون وصل نیکان، از کرخه تا راین، بوی پیرهن یوسف، برج مینو، موج مرده، سفر دهه هشتاد دوران خوبی برای سینمای دفاع مقدس نبود. درگیری‌ها و عواض سیاسی باعث فراموشی و به حاشیه رفتن آدم‌های جنگ و سینمای دفاع مقدس شد. البته فیلمسازان پایداری ژانر ایرانی همچنان در سنگر ماندند، اما نکته این است که دفاع مقدس

کند. سینمای دفاع مقدس برای غلبه بر این شرایط ترندهایی در استین داشت. اگر چه پایان جنگ این تأثیر ناگزیر را داشت که شمار فیلم‌های دفاع مقدسی را بشدت کاهش داد، اما فیلمسازان عرصه دفاع مقدس به‌رحال راه‌هایی برای ادامه طریق در این مسیر پرخطر یافتند. توجه بیشتر به واقعیت اجتماعی از طریق پرداختن به آدهای جنگ در شرایط جدید اجتماعی و نیز ساخت فیلم‌های عظیم‌تر و شکوهمندتر - که در فضای جنگ امکان این کار کمتر بود- راهکارهای سینمای ایران برای ادامه حیات سینمای دفاع مقدس بود. آژانس شیشه‌ای، نمونه فیلم گروه اول و حمله به آج ۳ نمونه فیلم گروه دوم است که تمام ویژگی‌های مورد بحث را یکجا در خود دارند. در واقع پایان جنگ و کاهش شور و حال عمومی جامعه با تمسک به آثار بزرگتر از فیلم‌های سابق با پرداخت به موقعیت‌هایی که در زمان جنگ حتی امکان فکر کردن به آنها هم وجود نداشت، جبران شد. این‌که می‌توانست حتی امکان فکر کردن به فیلم‌های اجتماعی دفاع مقدس نیز در زمان جنگ وجود نداشت، ریشه در شرایط طبیعی جنگ در هر اجتماعی داشت. در واقع دفاع مقدس فیلمی چون آژانس شیشه‌ای با مضمون بی‌توجهی عمومی مردم و مسئولان به یک جایز در آستانه شهادت

انواع فیلم‌ها در ژانر سینمای دفاع مقدس

سینمای ایران در فیلم‌های عقاب‌ها و حمله به آج ۳ به کار بسته شده و زیرگونه دریاوردی نیز در فیلم‌های جنگ نفتکش‌ها و موج مرده، فیلم‌های دیده‌بان و ملکه متعلق به زیرگونه دیده‌بانی هستند و زیرگونه بیوگرافی که به زندگی قهرمانان جنگ می‌پردازد، در فیلم‌های چ، شور شیرین، الماس بنفش و به کودبی یاس به کار رفته است. تبعات جنگ زیرگونه‌ای است که نماینده‌هایی چون آژانس شیشه‌ای، گیلانه، بوی پیرهن یوسف، عروسی خوبان و ۱۳۵۹ دارد و زیرگونه بازگشت دوباره یا عزیمت را نیز در آثار تحسین‌شده، رسول ملاقلی‌پور چون سفر به چرخابه و هیوادر سینمای دفاع مقدس ایران به‌نظره نشست‌هایم.

تلفیق ژانر جنگی با سایر گونه‌ها و لحن‌های سینمایی از دیگر دستاوردهای سینمای ایران است که از آن جمله می‌توان به کم‌دی (لیلی با من است)، ملسودرام (کیمیا، میم مثل مادر)، جاسوسی (توفدی)، معناگر (ساعت ۲۵، مهاجر، نینوا)، کودک و نوجوان (پایان کودکی) و... اشاره کرد.

زیرگونه هوانوردی که بیشتر به عملیات هوایی می‌پردازد، در



اخراجی‌ها؛ مسعودده‌نمکی

با ادامه راه لیلی با من است، البته با زبان و بیانی بسیاری عامیانه‌تر و سطحی‌تر، اخراجی‌ها توانست در سال‌های دهه هشتاد بعد از فیلم آتش‌بس رکورد میلیاردری را قاطعانه از آن خود کند. مسعود ده‌نمکی در نخستین ساخته‌اش با دستمایه قرار دادن ماجرای اخراجی‌ها که داستانی مستند بود، فیلم خود را با حضور جمعی از ستارگان سینمای ایران جلوی دوربین برد. این فیلم که امتیازش نگاه به جنگ تحمیلی از نگاه طنز بود، به این دلیل که ده‌نمکی کمترین خطوط قرمزی پیش چشم نمی‌دید، به مذاق مردم خوش آمد و چنان پر فروش شد که ده‌نمکی سراغ ساخت دو فیلم دیگر با همین کاراکترها رفت و آنها نیز پر فروش شدند. این فیلم‌ها سبب شدند که نام ده‌نمکی به‌عنوان پول‌سازترین کارگردان سینمای ایران ثبت شود. اخراجی‌ها ۳ با فروش معادل پنج میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، اخراجی‌ها ۲ با فروش سه میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان و اخراجی‌ها ۱ با فروش معادل ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان تا چند سال رکوردداران سینمای ایران از لحاظ میزان فروش بودند که البته اسامی این رکوردها را فیلم‌هایی چون من سالوادور نیستم، پنجاه کیلو آلبالو، ابد و یک روز و یاد یگارد شکسته و از آنها بسیار فراتر رفتند.



آژانس شیشه‌ای؛ ابراهیم حاتم‌ی کبیا

آژانس شیشه‌ای در فضای ملت‌هتیب سیاسی سال‌های ساختش فیلمی جنجال‌آفرین بود و از خطری خیر می‌داد که جامعه ایران آن روز را تهدید می‌کرد: شکاف نسل جنگ‌رفته و عامه مردم، این شکاف حتی می‌توانست به درگیری مسلحانه و گروگانگیری تبدیل شود و عمیق‌تر شود. فیلم پس از موفقیت در جشنواره فجر سال ۷۶ به اکران درآمد و مورد استقبال مردم قرار گرفت. دومین فیلم پر فروش سال ۱۳۷۷ رقمی حدود ۱۷۰ میلیون تومان فروخت و باعث شد جایگاه حاتم‌ی کبیا در سینمای ایران بیشتر از گذشته به تثبیت برسد.



افت؛ رسول ملاقلی‌پور

ملاقلی‌پور که معروف به نفروختن فیلم‌هایش بود، در افت تمام عزمش را جزم کرد و با عزمی راسخ برای ساخت یک فیلم جنگی پر فروش، خوش‌ساخت و حرفه‌ای آستین‌هایش را بالا زد. نتیجه هم بسیار موفقیت‌آمیز بود و این فیلم دومین فیلم پر فروش تهران در سال ۱۳۶۸ که نزدیک به یک میلیون نفر آن را تماشا کردند، با رقمی حدود ۱۶ میلیون تومان و پر فروش‌ترین فیلم همین سال در اکران شهرستان‌ها شد. جلوه‌های ویژه در افت، اهمیت بسزایی داشت و البته همین هم ملاقلی‌پور را از توجه به‌امور منطقی روایت‌و جزئیات روایی باز داشته بود، چندان که به گفته منتقدی نامدار: در این فیلم شاهد انفجارهای پیاپی بودیم تا مناطق و دلیل به‌رحال افت به مذاق تماشاگر عام خوش آمد. افت اگر چه در کارنامه سازنده‌اش فیلم شخصی نیست، اما در میان فیلم‌های سینمای دفاع مقدس یکی از شاخص‌ترین‌هاست. این نکته مهمی در بیان راه‌های سینما است.



کانی مانگا؛ سیف‌الله داد

کانی مانگانیز در میان پر تماشاگر ترین فیلم‌های تاریخ سینمای بعد از انقلاب در جایگاه بالای قرار دارد. این فیلم که نسبت به عقاب‌های بسیار بهتری بود، نتوانست رکورد فروش آن فیلم را جابه‌جا کند و در جایگاه بعد از آن قرار گرفت. اگر عقاب‌ها در دست در بویو حمله جنگ هوایی ایران و عراق روی پرده آمد، اکران کانی مانگا مصادف شد با پذیرش قطعنامه و پایان جنگ. صحنه‌های نبرد هوایی در کانی مانگا برخلاف عقاب‌ها روی میز مونتاژ ساخته‌نشده و برای نخستین بار در سینمای ایران، صحنه‌های نبرد بالگرد به یمن امکان‌تای که سیف‌الله داد فراهم کرد، بازسازی بود. پر فروش‌ترین فیلم سال ۱۳۶۷ با رقمی نزدیک به ۱۲ میلیون تومان که در اکران شهرستان‌ها هم بسیار موفق بود، تا سال‌های سال اکران می‌شد و می‌فروخت. این فیلم رانزدیک به ۱۰ میلیون نفر تماشا کردند، رقمی که اکنون اگر تکرار شود، فروشی تقریباً معادل ۵۰ میلیارد تومان را به‌ارمان‌مغان می‌آورد.



عقاب‌ها؛ ساموئل خاچیکیان

عقاب‌ها روایت هواپیمای از تش ایران است که پس از انجام مأموریتی در خاک عراق، مورد حمله عراقی‌ها قرار می‌گیرد و در کردستان عراق سقوط می‌کند. خلبان با چتر نجات فرود می‌آید. گروهی از نظامیان در پی دستگیری او هستند. خلبان به کمک یک تکاور ایرانی که برای انجام مأموریتی با لباس میدل وارد کردستان عراق شده، نجات می‌یابد. این فیلم که با هجده میلیون نفر بیننده پر تماشاگر ترین فیلم دفاع مقدس سینمای ایران است، در بهترین زمان ممکن ساخته شد و به نمایش درآمد. دست‌آمده از بازیگران معروف و محبوب از جمله سعید ارد که در آخرین لحظات برای ایفای نقش اول انتخاب شد، در کنار ریتم پر کشش فیلم، فیلمنامه جذاب و پرداخت مناسب همه دلایلی بود که موجب شد فیلم به مذاق تماشاگر خوش آید و صف‌های طولانی در کنار سینماهای نمایش‌دهنده عقاب‌ها شکل بگیرد. هر چند مشخص بود که فیلم با سرمایه و امکانات مناسب ساخته‌نشده و ملاحظات بودن هواپیماها با استفاده از فیلم‌های مستند مونتاژی در صحنه‌های پرواز هواپیماها تا یوت چشم می‌زد، اما جذابیت آن برای تماشاگران چنان بود که این عوامل نتوانست جلوی هجوم تماشاگران را بگیرد و در نتیجه این فیلم با ۱۶ میلیون تومان فروش در اکران اول تهران پر فروش‌ترین فیلم سال ۱۳۶۴ و تاکنون پر تماشاگر ترین فیلم تاریخ سینمای بعد از انقلاب لقب گرفته است.